

## بررسی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه با تأکید بر نظریه موازنه تهدید (۲۰۱۱ - ۲۰۱۷)

رضا سیمبر \*

مهدی پادروند \*\*

محسن عزتی \*\*\*

دریافت مقاله: ۹۶/۷/۲۶

پذیرش نهایی: ۹۶/۴/۱۴

### چکیده

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه، از سالهای پیش از دفاع مقدس، حین جنگ تحمیلی و پس از آن، نمایانگر ارتباطی دوستانه میان این دو کشور است. چنانچه در تحولات اخیر در سوریه، همچنان این رابطه دوسویه حفظ شد و حمایتهای جمهوری اسلامی تداوم یافته است. با توجه به دوام این روابط سؤال پژوهش این است که: "مهمترین راهبرد ایران در بحران سوریه و حمایت از این کشور در رویارویی با نیروهای معارض چیست؟" یافته‌ها حاکی است که جمهوری اسلامی ایران و سوریه با توجه به رسالت خود در درون جبهه مقاومت در مقابل تهدیدهایی که از سوی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با حمایت از گروه‌های تروریستی که منافع و امنیت دو کشور را تهدید می‌کند، ائتلاف چهارگانه‌ای (ایران، روسیه، سوریه، حزب‌الله لبنان) را ایجاد کرده‌اند و در صدد ایجاد موازنه در مقابل این تهدید و حفظ منافع ملی خود هستند.

کلیدواژه‌ها: ایران، جبهه مقاومت، سیاست خارجی، بحران سوریه، موازنه تهدید.

rezasimbar@hotmail.com

padervand.mehdi@gmail.com

m.ezati@gmail.com

\* استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

\*\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

## مقدمه

با شروع بهار عربی در تونس تحولات ناشی از این موضوع به صورت دومینووار کشورهای سوریه و عراق را در بر گرفت. بحران سوریه، مسئله‌ای متفاوت از دیگر بحرانها بود؛ چرا که هر کدام از کشورهای دخیل در این جنگ داخلی به دنبال تأمین منافع خود برآمدند. کشورهای منطقه، که در صدد مدیریت این تحولات در جهت منافع خود بودند، هر کدام سعی کردند با استفاده از توان خود در جهت رسیدن به خواسته‌های خود اقدام کنند. این موضوع باعث ایجاد ائتلافها و اتحاد در جهت رسیدن به اهداف متعارض شد. از یک سو امریکا و متحدان منطقه‌ای خود در صدد تغییر دولت سوریه برآمدند و از سوی دیگر روسیه و ایران یا به عبارت دیگر جبهه مقاومت نظر بر حفظ دولت سوریه دارند.

در این میان بحران سوریه بیش از هر کشور دیگر ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. بنابراین برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه فرضیه‌های مختلفی مطرح شده است یکی از مهمترین آنها مدیریت اعتراض مردم سوریه و معارضان که اغلب سنی مذهب هستند، حمایت ایران از محور شیعی و رهبری شیعیان منطقه و همچنین حفظ دولت علوی بر مسند قدرت سوریه است؛ اما این مورد قبول نیست؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران به همراه متحدان خود معتقد است این بحران را نمی‌توان صرفاً برآمده از تحولات لایه‌های درونی جامعه سوریه و نارضایتی مردم و جریانهای سیاسی از حکومت این کشور دانست. همچنین از آنجا که کشورهای مختلفی برای رسیدن به اهداف خود در سوریه وارد کارزار شده‌اند، طبیعی به نظر می‌رسد که منافع این بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر تحولات میدانی سوریه اثر بگذارد. ایران نیز به عنوان کشوری دخیل در جنگ داخلی سوریه به عنوان بازیگر تأثیرگذار از ابتدای شروع بحران براساس تفسیری که از ماهیت تحولات این کشور (سوریه) دارد با حمایت همه‌جانبه از دولت سوریه تمام نفوذ خود را برای تثبیت این حکومت به کار گرفته است (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳، ۱۸۸ - ۱۷۱).

یکی دیگر از فرضیه‌هایی که در مورد سیاست خارجی ایران در بحران سوریه امکان طرح دارد، این است که جمهوری اسلامی ایران در صدد است که با عملیات نظامی و کمکهای مستشاری به دولت کنونی سوریه، خود را به عنوان قدرت برتر و تعیین کننده منطقه مطرح کند؛ اما

این مورد نیز مورد تأیید نیست؛ چرا که تهران با ایجاد ائتلاف با روسیه در این بحران با هرگونه اقدامات نظامی ناتو و امریکا در خاورمیانه برای تغییر دولتهای این منطقه مخالف است که به شکل انقلابهای رنگین و به وسیله ارتش انجام می‌شود و کمکهای مستشاری و اقدامات نظامی برای ایجاد موازنه در برابر این راهبرد رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (Geranmayeh & Liik, 2016).

این مطلب، که چرا از میان کشورهای درگیر در بحران سوریه، حفظ و ثبات حکومت دولت سوریه برای جمهوری اسلامی اهمیت راهبردی دارد، مسئله اصلی این پژوهش است. هدف این پژوهش دستیابی به شناختی جامع از تحلیل چرایی مواضع دستگاه سیاسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه است. هم‌چنین سوریه از ارکان اصلی محور مقاومت اسلامی است و تداوم حیات سیاسی و وحدت سرزمینی آن کشور با ارزشهای انقلاب اسلامی و منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران پیوند یافته است؛ بنابراین پرداختن به این مطلب، ضرورت پژوهشهای علمی را می‌طلبد. روش این پژوهش، تحلیلی - توصیفی و نوع پژوهش کاربردی، و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. در این باره پژوهشهای زیادی انجام شده که در پژوهشی مشابه دکتر صادقی و آقای لطفی تحت عنوان "تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در برابر بحران سوریه" بر اهمیت رژیم سوریه برای نظام جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین پیوندهای زیاد بین طرفین در همه زمینه‌ها اشاره کرده‌اند. در پژوهش دیگری که توسط دکتر مهدی میرزاده کوهشاهی تحت عنوان "استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر بحران سوریه، سناریو و پیامدها" انجام شده است به پیامدهای این بحران برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای پیرامون است که در جبهه مقاومت قرار دارند و امروزه پشتیبان دولت سوریه هستند؛ اما ضمن شباهتهای زیادی که بین این پژوهش و تحقیقات پیشین وجود دارد، این نوشته از نظر زمانی با مطالب پیشین فرق دارد و مسائل را تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار می‌دهد.

### چارچوب نظری

قبل از تعریف موازنه تهدید، آشنایی با تعریف موازنه قدرت، که یکی از مناقشه برانگیزترین نظریه‌های سیاست بین‌الملل است، لازم به نظر می‌رسد. موازنه قدرت بدین معناست که کشورها در مقابل افزایش قدرت یکدیگر از خود واکنش نشان می‌دهند و این واکنش به صورت ایجاد اتحاد و

ائتلاف نمایان می‌شود تا بتواند تهدید ناشی از افزایش قدرت دیگر کشورها را خنثی کند که احساس می‌شود (Kaufman & et al, 2007: 15). نظریه "موازنه قدرت"، که استفان والت به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی در صدد اصلاح و افزایش کاربرد آن است با چالشهایی روبه‌روست. والت، تهدید و قدرت را دو چیز متفاوت می‌داند و تعریف آنها را نیز متمایز می‌پندارد. هم‌چنین اعتقاد دارد که تهدیدها باعث ایجاد نگرانی امنیتی کشورها در عرصه بین‌الملل می‌شود نه قدرت. هم‌چنین در توضیح راهبرد کشورهای که احساس تهدید می‌کنند بیان می‌کند دولتهایی که احساس تهدید می‌کنند یا با هم متحد می‌شوند یا به دلیل نداشتن قدرت دفاع از کشور خود، راهبرد دنباله‌روی را انتخاب می‌کنند (Walt, 1986: 110-13).

طبق نظر استفان والت، کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند بلکه کشوری که قدرت آن باعث به خطر انداختن امنیت دیگر کشورها شود باعث می‌شود که دیگران نیز برای مقابله با این تهدید به سوی ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند (Walt, 1986: 116-118). در توضیح این ائتلافها استفان والت مؤلفه‌های مختلفی را تهدیدگر توصیف می‌کند: الف) توانهایی نظیر جمعیت، قدرت، مسائل اقتصادی و نظامی. ب) نزدیکی تهدید. پ) توان تهاجمی بدین معنا که هر کشوری قدرت بیشتری داشته باشد، دغدغه تأمین امنیت آن نیز افزایش می‌یابد. ت) دولتهایی که نیت تهاجمی دارند، متضمن تهدید بیشتری هستند (Walt, 1986: 87-88).

با توصیف این مطالب اگر دیدگاهی را که کنت والتز مبنی بر اینکه کشورها بیش از اینکه در پی افزایش قدرت خود باشند به دنبال جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و افزایش و حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند، مورد پذیرش قرار دهیم، ایجاد ائتلاف و اتحاد و هم‌چنین موازنه در مقابل منشأ تهدید توسط کشورها را می‌توان راهبرد منطقی تلقی کرد. ایجاد این گونه موازنه، که به صورت ائتلاف و اتحاد نمایان می‌شود به دو شکل توسط کشورها ایجاد می‌شود: ۱ - موازنه درونگرا که به معنای افزایش قدرت داخلی خود کشورها است ۲ - موازنه برونگرا که همان ائتلاف و اتحاد است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۰).

موازنه تهدید مورد توجه واقع‌گرایان تدافعی است. بنابراین نظریه‌پردازان آن، ایجاد ائتلاف و اتحاد را در مقابل هر گونه تهدید به کشورها توصیه می‌کنند (هدایتی شهیدانی و کلارد مرادی، ۱۳۹۵: ۹۴). تشکیل این گونه اتحاد و ائتلاف، که مورد توجه واقع‌گرایان تدافعی همچون والت است، امروزه در بحران سوریه قابل مشاهده است. دو کشور ایران و سوریه نیز در مقابل تهدیدهایی

که از سوی برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، که منافع آنها را تهدید می‌کند، ائتلافی ایجاد کرده‌اند.

بنابراین در توضیح چرایی این نزدیکی، که باعث این اتحاد و ایجاد موازنه شده است، باید بیان کرد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران و سوریه، ساختار امنیتی در قالب دو کشور دوست ایجاد کرده‌اند که چشم‌پوشی از آن را برای دو کشور بویژه ایران غیر ممکن کرده است. هم‌چنین این دغدغه‌های امنیتی بین دو کشور ماهیت نظامی و غیر نظامی دارد و بر اساس مشترکات تاریخی ایجاد و ساختار بندی، و باعث می‌شود امروزه از دگرگونی این ساختار به ضرر خود جلوگیری کند و یا بتواند ساختار امنیتی مجموعه را به نفع خود تغییر دهد (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۴: ۱۷۸). برای رسیدن به این اهداف امنیتی از آغاز شکل‌گیری بحران در سوریه همواره تلاش شده است با حساسیت ویژه‌ای در کنار روسیه و حزب‌الله لبنان، به‌عنوان دو حامی ایران در ائتلاف علیه تروریسم، موضعی کاملاً متفاوت از دیگر بازیگران منطقه‌ای یاد شده در پیش گرفته شود و حمایت از نظام سوریه، به‌عنوان یکی از اولویتهای مهم در سیاست خارجی پیگیری شود تا تأمین و تضمین امنیت هر دو کشور در نظام بین‌المللی آنارشیک محقق گردد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۴). در این پژوهش با توجه به نظریه موازنه تهدید به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه پرداخته می‌شود.

## رویکردهای رفتاری ایران در بحران سوریه

### ۱ - حفظ امنیت

مطابق قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی بر مبنای توحید است و هدف نهایی و غایی آن حرکت به سوی الله است که با ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی در مقابل تهدیدهای احتمالی از سوی دشمنان در صدد رسیدن به این هدف است. به همین دلیل در سوریه ساقط کردن تروریست‌های داعش و جبهه‌النصره از مهمترین برنامه‌های سیاست خارجی ایران است؛ زیرا این نیروهای تروریستی با حمایت‌هایی که ائتلاف ضد سوری به رهبری امریکا از آنها می‌کنند، علاوه بر اینکه تمامیت ارضی و نظام سیاسی متحدان منطقه‌ای ایران را به چالش کشیده‌اند، تهدید امنیتی و ایدئولوژی برای ایران نیز به‌شمار می‌روند. بنابراین سیاست خارجی ایران تحت تأثیر ظهور این

نیروهای ضد امنیتی در منطقه ناچار به اعمال راهکارهایی برای مقابله با آن شد (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۲ - ۱۴۶)؛ چرا که با توجه به داشتن روابط دیرینه تاریخی با دولت سوریه و هم‌چنین اهمیت راهبردی سوریه برای این کشور به صورت مستقیم از این بحران عمیقاً تأثیر پذیرفته است به‌گونه‌ای که مسئله امنیت ملی ایران در وضعیت کنونی بیش از پیش اهمیت خود را آشکار کرده و برای حفظ امنیت ملی خود ائتلافی را با کشور روسیه در جهت رسیدن به این هدف یعنی ایجاد موازنه در برابر تهدیدهای امنیتی موجود ایجاد کرده است. از آنجا که امنیت ملی ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای در پیوند با امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه است با تأمین منافع خود از طریق موازنه‌گری با دشمنان دولت کنونی سوریه در بحران امروزی و حمایت قاطعانه از این کشور می‌توان نقش ایران را به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در مقیاس جهانی به معرض نمایش بگذارید (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۴: ۱۷۸ - ۱۴۳). از این رو، تدبیری منطقی در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را برای شرکت در این جنگ به خود اختصاص می‌دهد و ایران در تلاش است که با حمایت‌های همه‌جانبه خود از سقوط دولت کنونی سوریه جلوگیری به عمل بیاورد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با گروه‌های تروریستی در سوریه باعث می‌شود که نفوذ و مدیریت خود را در این کشور گسترش دهد و تا جایی که می‌تواند با کشورهای منطقه‌ای برای جلوگیری از افراطی‌گری و بازگشت امنیت به منطقه همکاری کند و هم‌چنین با تقویت همکاری با کشورهای متحد و همسو با سیاست خارجی خود، مداخله خارجی بویژه مداخله‌های ناتو و آمریکا را که در صدد تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و نفوذ خود در منطقه هستند در این بحران مدیریت کند (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۷)؛ چرا که آمریکا و ناتو و هم‌چنین متحدان منطقه‌ای خود به دنبال ساقط کردن دولت کنونی سوریه به بهانه نقض حقوق بشر و نبود دموکراسی هستند؛ اما از نگاه ایران، اعتراضات داخلی سوریه مردمی نیست؛ بنابراین به صورت جدی این بحران را رصد می‌کند؛ زیرا باور دارد هدف بعدی در صورت موفقیت آمریکا و متحدان منطقه‌ای در این بحران جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و امنیت این کشور با خطر جدی روبه‌رو می‌شود (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۶).

معمای امنیتی ایران در سوریه و ادامه بحران در آن کشور بویژه در صورت تغییر قدرت حاکم، چالشهایی را در قالب قطع پل ارتباطی جبهه مقاومت اسلامی، کاهش و یا قطع قدرت نفوذ ایران در آن منطقه، آسودگی خاطر رژیم صهیونیستی، گسترش گروه‌های رادیکال مخالف

با ایران و... را به دنبال خواهد داشت؛ به عبارت دیگر جبهه مقاومت با خطری جدی روبه‌رو می‌شود (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۷). این مسائل ادامه دهنده سیاست خارجی ریاض در منطقه است که در سالهای گذشته در چارچوب رقابت با ایران بر سر برتری منطقه‌ای بشدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه و تشکیل آنچه کشورهای عربی به عنوان (هلال شیعی) از آن یاد می‌کنند، نگران هستند و تلاش کرده‌اند که این نفوذ را از طریق تقویت معارضان سوری و یا هرگونه اقدامی مهار کنند که به بحرانی برای ایران منجر شود (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

با توجه به این حمایتها از تروریست‌های منطقه، که امروزه در سوریه و عراق میدان نبردی را تدارک دیده‌اند، می‌توان این‌گونه بیان کرد که این گروه‌ها را باید به عنوان نیروی سیاسی جدید دانست که تلاش دارند تا در معادله و موازنه قدرت منطقه با توجه به حمایتهایی که از آنها می‌شود، تأثیر به‌جای گذارد. چنین نیروهایی را باید انعکاس نقش آفرینی عربستان به عنوان رقیب ایران، که خود را رهبر جهان عرب می‌داند و امروزه نیز به ایجاد ائتلاف با امریکا اقدام کرده است، دانست. اگر چه آینده سیاسی چنین نیروهایی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، باید بر این امر آگاه بود که این روند رادیکالی که این گروه‌ها و ائتلاف غربی - عربی در منطقه در پیش گرفته‌اند، آینده امنیت منطقه را برای تمام کشورها با خطر جدی روبه‌رو می‌کنند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷ - ۳۵). بنابراین با اینکه سوریه تنها متحد راهبردی ایران میان کشورهای عربی است و با سیاستهای غرب‌ستیز ایران همسویی زیادی دارد، طبیعتاً روبه‌رو شدن آن با هرگونه بحرانی بر امنیت و منافع ملی ایران نیز تأثیر مستقیم برجای می‌گذارد. در این چارچوب اتحاد و ائتلاف ایران و سوریه می‌تواند تلاشی استوار برای جلوگیری از برهم خوردن امنیت منطقه‌ای و داخلی خود و جلوگیری از توسعه گروه‌های تکفیری در منطقه باشد.

## ۲ - اهمیت جبهه مقاومت برای سوریه

حکومت سوریه بازوی اصلی مقاومت در برابر اسرائیل است و در صف مقدم جنگ جبهه مقاومت بویژه ایران با امریکا و رژیم اشغالگر قدس قرار دارد. این مسئله باعث شد که جمهوری اسلامی سیاست حمایت همه‌جانبه را در پیش بگیرد و ایجاد ائتلاف و موازنه از طریق نیروهای مقاومت مردمی در سوریه بر پایه الگوی بسیج ایران، این امکان را به جبهه مقاومت و ایران می‌دهد تا بعد از سقوط دولت فعلی و در دوران حکومت آینده نیز به اعمال نفوذ در این کشور

بپردازد؛ مهمتر اینکه، ایران می‌تواند روند تجهیز حزب‌الله را از طریق سوریه ادامه بدهد (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

اتحاد بین سوریه و ایران در طول دهه‌های گذشته به ائتلافی تنومند در خاورمیانه تبدیل شده است. بنابراین با سرشت تدافعی‌اش بر دامنه اهدافش افزوده شده و با مخالفت‌هایش با رژیم اشغالگر قدس و کشورهای عربی همچون عربستان و هم‌چنین هژمونی غرب بر خاورمیانه شناخته شده است (جانسیز و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). دلایلی که می‌توان برای حمایت دولت سوریه و قرار گرفتن این دولت در صف جبهه مقاومت و ائتلاف ضد رژیم اشغالگر قدس و حامیان آن نام برد این است که دمشق در درک تهدید با جبهه مقاومت اتفاق نظر دارد و این تهدید را نیز از جهت رژیم اشغالگر قدس می‌بیند؛ لذا با قرار گرفتن در این جبهه در صدد ایجاد موازنه‌ای در مقابل این تهدید مشترک است. هم‌چنین از دیگر اهمیت‌هایی که باعث ارتباط و اتحاد سوریه با جبهه مقاومت و ایران می‌شود این است که دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. از این دیدگاه با ایران و لبنان و مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس، جبهه‌ای ضد صهیونیستی تشکیل داده‌اند که در این اتحاد، سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند. در حال حاضر همه فشار برای شکستن این پل ارتباطی به کار گرفته می‌شود و هدف از سرنگونی دولت کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن این جبهه و در رأس آن ایران است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

تعارض منافع سوریه با کشورهای مخالف خود، که باعث ایجاد ائتلاف و اتحاد با کشورهای اسلامی (جبهه مقاومت) می‌شود از آنجا نشأت می‌گیرد که آمریکا در صدد است نفوذ خود را هرچه بیشتر در غرب آسیا افزایش دهد و این هدف را به وسیله متحدان منطقه‌ای خود دنبال می‌کند. امروزه نیز با ایجاد ائتلافی به نام "محور اعتدال" در بحران سوریه در پی رسیدن به برنامه ذکر شده است. این اهداف مخالف سیاست خارجی ایران و سوریه است و دمشق همواره در طول تاریخ سعی کرده است نقش راهبردی خود را در جهت جلوگیری از نفوذ غرب به شرق میانه در چارچوب جبهه مقاومت ایفا کند. دولت سوریه با حمایت از جبهه مقاومت جدا از بحث‌های مطرح شده اهدافی را نیز دنبال می‌کند. از جمله این اهداف "بلندیهای جولان" است که با رژیم اشغالگر قدس در مناقشه است. بنابراین دولتمردان سوریه هرگونه توافق بین فلسطین و رژیم اشغالگر قدس را رد می‌کنند. سوریه زمان جنگ آمریکا علیه عراق با حمایت از جبهه مقاومت و بویژه اتحاد با ایران، که بین شیعیان عراق دارای نفوذ زیادی است در صدد بود که از روی کار آمدن یک دولت



همخوان با امریکا و متحدان منطقه‌ای آن جلوگیری کند؛ چرا که دمشق هم در کنار ایران با گسترش نفوذ غرب و امریکا در غرب آسیا مخالف است و به دنبال کاهش این نفوذ است (Manfreda, 2017). دولتمردان امریکا نیز متوجه رویکرد سوریه نسبت به سیاستهای منطقه‌ای خود هستند و لذا با حمایت از تروریست‌هایی که امروزه در سوریه مشغول عملیات تروریستی هستند، سعی می‌کند از آنها به عنوان ابزار فشار به این دولت استفاده کند که یکی از متحدان کلیدی جبهه مقاومت است.

بنابراین دخالت‌های زیادی که کشورهای خارجی و متحدان منطقه‌ای در این بحران انجام می‌دهند، مهمترین وجه این بحران است. باید توجه کرد که در جنگ سوریه، دو جریان متضاد «جبهه مقاومت» و «محافظه کاری عربی» با ایجاد موازنه برای تضعیف یکدیگر در مقابل هم قرار گرفته‌اند. سوریه که از جایگاه ژئوپلیتیک و راهبردی ویژه‌ای برخوردار است، مهمترین حلقه اتصال جبهه مقاومت به شمار می‌رود. با شروع بحران کشورهای منطقه‌ای مخالف این نظام (عربستان، قطر و ترکیه) در صدد ساقط کردن این دولت، و با این حمایت‌های خود از تروریست‌های فعال در این جنگ سعی در نفوذ بیشتر در منطقه برای رسیدن به اهداف خود دارند که در تعارض با منافع دولت سوریه به همراه متحدان خود (ایران، لبنان و عراق بعد از صدام) است (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

در مقابل، کشور ایران و روسیه با همکاری نظامیان لبنان با ایجاد موازنه در مقابل این تهدید از دولت سوریه دفاع، و کشورهای نفت‌خیز عربی با رهبری عربستان و نیز حمایت امریکا از شورشیان برای حذف اسد حمایت می‌کنند تا از نفوذ سیاسی ایران و قدرت سوریه به عنوان بازوی اصلی جبهه مقاومت بکاهند؛ لذا با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران این واکنشها نیز بیشتر شد و شاید دلیل آن نیز روی کار آمدن پادشاهی جنگ طلب در عربستان باشد که امروزه در بحران سوریه، جنگ سرد منطقه‌ای با ایران ایجاد کرده و باعث گسترش جنگ در این کشور شده است (Max fisher, 2016). در این راستا جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کند با اتکا به نقاط اشتراک خود با روسیه در برابر بحران سوریه از آن کشور به عنوان متحدی راهبردی استفاده کند؛ زیرا دو کشور ایران و روسیه به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۸). به همین دلیل است که ایران با تمام توان خود سعی می‌کند که مانع سقوط

دولت سوریه شود، چون سرنگونی این دولت علاوه بر ایجاد مشکلات امنیتی برای ایران، باعث کاهش نمایش قدرت و منزوی شدن ایران و قطع رابطه با نیروهای حزب الله در منطقه خواهد شد و ایران مسیر راهبردی خود را در آن منطقه از دست خواهد داد.

### ۳- راهبرد دفاع - تهاجم ایدئولوژیک

دفاع - تهاجم ایدئولوژیک، راهبردی است که وضعیت پایداری ایران را در مداخله سوریه در معرض نمایش می گذارد. هم چنین اساساً این نکته را متوجه نظام بین المللی می کند که ایران، حضوری دائمی در سوریه دارد؛ چرا که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقد بودند که حمایت ایران از دولت سوریه به صورت تدریجی کاهش خواهد یافت و ایران موضع خود را حداقل برای داشتن جایگاهی در حکومت جدید سوریه تغییر خواهد داد؛ اما اتفاقی که افتاد این بود که ایران نه تنها حمایت خود را از سوریه کاهش نداد، بلکه با حمایت همه جانبه خود همه را شگفت زده کرد به طوری که حتی با ایجاد ائتلاف با روسیه و کشورهای اسلامی منطقه مثل عراق و سوریه و لبنان در صدد حفظ دولت کنونی سوریه به رهبری بشار اسد است. به این صورت ایران از اتخاذ دفاع همه جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت افزاری و نرم افزاری غرب خودداری می کند؛ در عوض همزمان با انتخاب حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به سد دفاعی محکم با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و راهبردی سوریه، سیاستهای تهاجمی خود را نیز به صورت غیر مستقیم به کار بست تا بتواند از هزینه سنگین دفاعی خود بکاهد (سیمبر، قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

انتخاب این راهبرد بدین دلیل است که بر اساس آمار ایالات متحده آمریکا بیش از یک میلیون دلار به مخالفان دولت سوریه کمک کرده است و برنامه هایی در دست اقدام دارد که حدود ۳۴۰ میلیون دلار نیز به این مبالغ اضافه کند؛ چرا که تغییر رژیم و روی کار آوردن دولت جدید در سوریه، که با سیاستهای منطقه ای ایالات متحده ای آمریکا و اسرائیل و متحدان منطقه ای از جمله عربستان همسو باشد، همواره یکی از علاقه مندیهای ایالات متحده بوده است (وثوقی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۱۴ و ۱۱۳). در مقابل این اقدامات آمریکا، ایران برای تثبیت راهبرد ضد سلطه خود به دنبال همکاری صلح آمیز و ائتلاف با نیروهای ضد هژمون چه در سطوح دولتی و چه در سطوح غیر دولتی بوده است. در این راستا ایران تلاشهایش را برای ایجاد جبهه ضد امپریالیستی در جهان سوم و دنیای اسلام افزایش داده و به این منظور و در راستای گفتمان ضد هژمونیک و مقاومت خود دو راهبرد عمده «سیاست نگاه به شرق» و «ائتلاف جنوب» را دنبال کرده است (دارابی، ۱۳۹۴:

(۴۸)

با تلاشهای مستمری که ائتلاف روسیه و ایران برای حفظ دولت کنونی سوریه انجام می‌دهند، دولتمردان ایالات متحده امریکا بر این اعتقادند که بقای دولت فعلی سوریه و همچنین ارتش این کشور می‌تواند امنیت همپیمانان عربی این کشور نظیر عربستان و خود ایالات متحده امریکا را با چالش روبه‌رو سازد. بنابراین دولت ایالات متحده امریکا مجبور است اقدامات جدی را برای فرسایشی کردن جنگ سوریه در پیش گیرد تا از این طریق ارتش سوریه را، که نفوذی در آن ندارد با مشکل روبه‌رو سازد. از این زاویه ایالات متحده به موضوع نگاه می‌کند و چشمان خود را به روی وحشتناکترین اقدامات تروریستی، که به وسیله نیروهای شورشی در شهرهای سوریه انجام می‌گیرد، بسته است؛ زیرا در سایه رشد این خشونت است که طرح شکست ارتش سوریه از طریق تداوم جنگ داخلی سوریه به نتیجه می‌رسد (وثوقی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۱۵). همچنین با روی کار آمدن دولت همخوان با امریکا و متحدان منطقه‌ای مخالف با دولت فعلی سوریه تمام برنامه‌های جبهه مقاومت اسلامی در جهت ضربه زدن به رژیم اشغالگر قدس از بین می‌رود.

یکی دیگر از دلایل انتخاب این راهبرد ایران این است که هر گونه ساقط شدن دولت فعلی سوریه باعث ضربه زدن به دکتترین بازدارندگی ایران خواهد بود. در این دکتترین یک نیروی بازدارنده به نام حزب‌الله لبنان برای ایران وجود دارد که در مقابل تهدیدهای ناشی از رژیم اشغالگر قدس فعالیت می‌کند. برای جلوگیری از ضربه زدن به این دکتترین راهبرد دفاع تهاجم در سیاست خارجی ایران نمایان می‌شود که برای رسیدن به اهداف خود هزینه‌ها و اقداماتی را انجام می‌دهد. مهمترین موضوعاتی که ایران در این چارچوب دنبال می‌کند ایجاد نیروی مردمی در سوریه با استفاده کردن از الگوی حزب‌الله و نیروهای مردمی در عراق است؛ زیرا جمهوری اسلامی می‌تواند حتی با پایان یافتن دوره قانونی دولت فعلی سوریه، نیروهایی در این کشور داشته باشد که در جهت کمک رسانی به حزب‌الله لبنان، ایران را یاری کنند. این نیروها امروزه به ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد که در حلب و دمشق، بیشترین عضویت را دارند (Shahidsaless, 2016). بنابراین برای رسیدن به این اهداف است که جمهوری اسلامی ایران همواره سعی می‌کند تا ضمن حمایت از خواسته‌های مردم این کشور، تأکید بر اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه و حمایت همه‌جانبه خود را نسبت به این کشور اعلام کند (Filon, 2013: 13-10). ایران سعی دارد که با اتخاذ این راهبرد و ائتلاف علیه تروریست و کشورهای حامی آنها از تبدیل شدن سوریه به عراق، که

براحتی و بدون هیچ‌گونه توان دفاعی مورد هجوم غرب قرار گرفت، جلوگیری کند. تهران، دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت تلقی می‌کند و بر همین اساس درگیریهای این کشور را نوعی انتقامگیری از نقش و موقعیت برجسته سوریه در مقاومت علیه نظام سلطه و متحد منطقه‌ای خود می‌داند؛ با وجود این جمهوری اسلامی ایران معتقد است، توقف هرگونه خشونت و خونریزی در سوریه، مستلزم خودداری طرفهای خارجی از حمایت از گروه‌های مسلح فاقد مسئولیت و افراطی و تروریست است.

ایران به صورت فزاینده به بحران سوریه به منزله بازی حاصل جمع صفر نگاه می‌کند. این ترس، که سقوط دولت فعلی (بشار اسد) به هموار شدن راهی منجر خواهد بود که در آن دولتی جدید و نظم منطقه‌ای جدید به صورت طبیعی با تهران متخاصم خواهد بود، وجود دارد. هم‌چنین ایران ممکن است با ظهور یک دولت طرفدار غرب در منطقه، که از ترکیه به سوریه، اردن، عربستان سعودی و امارات متحده عربی کشیده می‌شود، روبه‌رو گردد. در این راستا، ایران در حال حاضر به سوریه به منزله خط اول دفاع خویش علیه تلاش همنوای دشمنان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ایش نگاه می‌کند که نه تنها به دنبال تغییر رژیم در سوریه و پایان اتحادش با تهران بلکه به دنبال منزوی نمودن و فروپاشی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از راهبرد بلندمدت خویش هستند (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۶۲). طبیعی به نظر می‌رسد که تهران نیز مانند رقبای خود بویژه عربستان، که برنامه‌های امریکا توسط او در منطقه عملی می‌شود، همکاریها و اتحاد خود را با موافقان دولت سوریه بویژه روسیه تقویت کند و همواره در صدد باشد که با ایجاد موازنه در مقابل جبهه مخالف دولت کنونی سوریه از ساقط شدن دولت کنونی سوریه به رئیس‌جمهوری بشار اسد جلوگیری کند.

این موضوع، یعنی حمایت کشورهای مخالف جبهه مقاومت مورد توجه بسیاری از تحلیلگران خاورمیانه است. این کشورها به صورت مستقیم با فرستادن نیروهایی یا تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی و گماشتن مزدوران، ارسال سلاح و کمکهای مالی و پرداخت حقوق به معترضان و به صورت غیرمستقیم با حمایت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی و فشار سیاسی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای علیه دولت سوریه در امور داخلی این کشور نقش آفرینی می‌کنند (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در مقابل این کمکهای همه‌جانبه مخالفان دولت سوریه به شورشیان جمهوری اسلامی نیز با ایجاد گروه‌های مقاومت مردمی و آموزش نظامی امنیتی به نیروها و ترغیب حزب‌الله به دفاع از سوریه

در بحران کنونی پرداخته است (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۶ و ۱۳۵)؛ حتی دو جبهه و یا به عبارت دیگر دو ائتلاف در بحران سوریه در چگونگی حل بحران اختلاف نظر زیادی دارند. برای روشن شدن این اختلاف نظر باید بر سه وجه این اختلافات نگاه کرد: اولین سطح دیدگاه مخالفان است که نمی‌توانند از طریق نظامی دولت کنونی سوریه را کنار بزنند و همواره بر رفتن بشار اسد تأکید دارند. دومین سطح اختلاف نظر ایران و عربستان است که در مطالب قبلی به آن اشاره شد. در حالی که ایران و متحدان خود بر راه حل سیاسی این بحران تأکید می‌کنند، رژیم آل سعود به برکناری اسد از قدرت سوریه به همراه متحدان خود (ترکیه، اردن و...) اصرار دارد. در سومین سطح به رقابت ژئوپلیتیک امریکا و روسیه باید توجه کرد. امریکا در صدد حذف اسد است در حالی که دیدگاه مسکو مخالف امریکا است (Liangxiang, 2016). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دفاع تهاجم بر این اعتقاد است که افق راه حل سیاسی - نظامی سوری کاستن از نزاع بین جامعه و دولت این کشور برای ایجاد جبهه واحد علیه داعش و القاعده است. این موضوع در صورتی امکانپذیر است که راه حل سیاسی دموکراتیک در این کشور پذیرفته شود و همه گروه‌های سیاسی در این کشور به آن به توافق برسند تا با این اقدامات امکان تأسیس دولت جدید، قانون اساسی نوین و برپایی جامعه‌ای جدید فراهم خواهد شد.

#### ۴ - حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه

در منطقه جنوب غرب آسیا تعارضات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک همواره از نمود بسیاری برخوردار بوده است به گونه‌ای که این منطقه بیش از اینکه شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و همگرایی باشد، حول محور چالش‌های امنیتی درون منطقه‌ای شکل گرفته است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیکی بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران قدرت منطقه‌ای و بلکه قدرت برتر منطقه است و یکی از مؤلفه‌های برتری قدرت ایران، ساختار سیاسی و امنیتی خاص حاکم بر این منطقه حساس است. ساخت قدرت در غرب آسیا و وجود گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله و حماس و اتحاد و ائتلاف محکم حکومت کنونی سوریه با جمهوری اسلامی ایران و موقعیت راهبردی این کشور متفاوت عربی و از طرفی تحولات اخیر در کشورهای عربی و سقوط دیکتاتورهای دست‌نشانده و هم‌پیمان غرب و روی کار آمدن حکومت‌های اسلامگرا در این کشورها، موقعیت برتر جمهوری اسلامی ایران را تحکیم بخشید و سقوط حکومت سوریه بویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقیبان منطقه‌ای و

مخالفان فرامنطقه‌ای این کشور متحول خواهد ساخت (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

با اشتراکات ذکر شده در مطالب قبلی مبنی بر اتفاق نظر ایران و سوریه در مخالفت با گسترش و توسعه سیاسی اقتصادی غرب به رهبری امریکا و سلطه او بر غرب آسیا، طبیعی به نظر می‌رسد که سوریه در کنار جبهه مقاومت و روسیه در مقابل این زیاده خواهیهای مخالفان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و مشکلات امنیتی ناشی از اقدامات آنها ائتلافی را ایجاد کند و در صدد رسیدن به منافع ملی خود مبنی بر بازگرداندن امنیت به کشور و تقویت همکاری با متحدان خود است؛ زیرا ائتلاف ضد غربی در بحران سوریه آگاه است که هرگونه تغییر رژیم در سوریه در چارچوب نظر رقیبان خود یعنی افزایش بی چون و چرای غرب در خاورمیانه را به دنبال دارد (Kouzegar Kaleji, 2012). این حمایتها و ائتلاف و اتحاد ذکر شده در مطالب قبلی کمتر بعد دینی دارد. مهمترین دلیل که امروزه برای همکاری سوریه با جبهه مقاومت و مهمترین دلیل ایجادکننده این همکاری و اتحاد این است که دمشق در یک موقعیت ژئوپلیتیکی قرار دارد که توسط کشورهای حامی غرب احاطه شده است. بنابراین این مسئله خود را در چارچوب حمایت از شورشیانی نمایان کرده که امنیت کشورهای اسلامی بویژه ایران و یا به عبارتی امنیت جبهه مقاومت را با مشکل روبه‌رو کرده است. ایران نیز با حفظ این موقعیت ژئوپلیتیک (حمایت از دولت فعلی سوریه) روند رسیدن به اهداف خود را مبنی بر حفظ امنیت آسانتر می‌بیند که توسط معارضان در سوریه و کشورهای حامی آن با مشکل جدی روبه‌رو شده است (Barfi, 2016)؛ چرا که یکی از اهداف ژئوپلیتیکی قدرتهای نافذ فرامنطقه‌ای قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می‌سازد. بنابراین قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک نظام سلطه در نبرد با ایران به شمار می‌رود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵). این رقابتهای منطقه‌ای با حمایتهایی که کشورهای فرامنطقه‌ای نیز برای خاورمیانه، که منطقه‌ای بسیار راهبردی است، بسیار خطر آفرین می‌تواند باشد؛ چرا که انقلابهای عربی در منطقه‌ای پویا یعنی غرب آسیا رخ می‌دهد که هر تحولی در آن، کل منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ مثلاً بحرانی که در افغانستان رخ می‌دهد، کل امنیت منطقه آسیای جنوبی را از لحاظ مسائل طایفه‌ای - قومی، ایدئولوژیک - ارزشی و سیاسی - امنیتی و رقابت میان هند و پاکستان تحت تأثیر قرار می‌دهد یا در عراق، زمانی که بحرانی اتفاق می‌افتد، فراتر از مسائل توازن قدرت و ژئوپلیتیک قومی عراق مسائل ایدئولوژیک را هم در سطح منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از مهمترین کشورهای را که می‌توان مثال زد که باعث ایجاد مشکل امنیت در منطقه و گسترش تنش بین کشورهای اسلامی می‌شود، امریکا می‌تواند باشد؛ چرا که این کشور در غرب آسیا منافع زیادی دارد. مهمترین این منافع حفظ امنیت رژیم اشغالگر قدس، تأمین امنیت انرژی خود در این منطقه، جلوگیری از نفوذ ایران و رقابت با روسیه است. بنابراین برای تثبیت هژمونی خود در غرب آسیا وارد جنگهای مختلفی همچون جنگ با عراق و حمایت‌های امروری از شورشیان سوریه می‌شود. نظریه پردازان سیاسی امریکا بر این اعتقاد هستند که با کنار زدن دولت‌های عراق و سوریه می‌توان روند رسیدن به اهداف مطرح شده را تسریع کرد (Lynch, 2016). این دخالت‌های امریکا باعث شده است که برخی کشورهای منطقه‌ای به آن واکنش نشان دهند. مهمترین این کشورها ایران بعد از انقلاب بود که با شروع بحران در سوریه تأکید بر منافع ژئوپلیتیک نیز بخشی از سیاست خارجی ایران در این بحران تبدیل شده است و همواره سعی می‌کند در این کشور بین منافع ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود در منطقه تعادل ایجاد کند.

در طول دهه گذشته با توجه به تغییر منابع، ماهیت و هدف تهدیدات، محیط امنیتی منطقه نیز تغییر کرده است. زمانی موازنه نظامی متعارف هدف بود که توسط بازیگران دولتی شکل می‌گرفت؛ اما اکنون موازنه امنیتی با ترکیب پیچیده‌ای از تواناییهای متعارف، توان غیر متعارف موشکی و شورشهای داخلی تغییر یافته است. دلایل این کشمکش‌ها نیز تغییر اساسی کرده است که شامل افراط‌گرایی مذهبی خشونت‌بار و فرقه‌گرایی و تنشهای قومی است. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس با حمایت‌های متحدان غربی خود با ایجاد ائتلافهای متعدد و حمایت‌های همه‌جانبه از شورشیان در منطقه سعی دارند به نوعی درباره نفوذ ایران در غرب آسیا و کشورهای اسلامی به منظور بهره برداریهای سیاسی در داخل، اغراق کنند و به نوعی به فرقه‌گرایی دامان زنند (همیانی، ۱۳۹۴: ۶۲).

به دلیل همین تهدیدات است که منطقه‌گرایان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران از ظرفیتهای قابل توجه منطقه‌ای از جمله جغرافیا، فرهنگ، و منابع طبیعی برخوردار است که آن را به سوی همکاری و تعاملات درون منطقه‌ای و میان منطقه‌ای سوق می‌دهد. جغرافیای طبیعی یکی از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر ژئوپولیتیک و سیاست منطقه‌ای ایران است. تنوع اقلیمی و همجواری با پانزده همسایه، می‌تواند فرصتهای بسیاری را نصیب این کشور کند. ایران جزء معدود کشورهایی در جهان است که در مناطق پیرامونی متعددی قرار گرفته است. ایران همزمان در پنج زیر سیستم

منطقه‌ای قرار دارد که عبارت است از: ۱- خلیج فارس ۲- خاورمیانه ۳- آسیای مرکزی ۴- قفقاز ۵- شبه قاره هند. بنابراین ایران محیط راهبردی حساس و مهمی دارد که باید با تصمیم‌گیری منطقی، اهمیت بالقوه آن را به قدرت بالفعل تبدیل کند (دهشیری و جعفری، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

همان گونه که مطرح شد، خاورمیانه به عنوان یکی از زیر سیستم‌های منطقه‌ای ایران، منطقه‌ای مهم و راهبردی از دیرباز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد توجه قدرتهای منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. وجود منابع طبیعی همچون نفت و گاز و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی باعث شده است این منطقه همواره مستعد مناقشه و درگیری و ائتلافهای متعدد برای رسیدن به منافع کشورها باشد. به همین دلیل در طول تاریخ، این منطقه با جنگها و ناآرامیهای گوناگونی روبه‌رو بوده است که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. بنابراین با وقوع بیداری اسلامی در برخی کشورهای منطقه و گسترش دامنه آن، نهایتاً کشور سوریه نیز در مدار این تحول قرار گرفته است و با بحرانی شدن تحولات در سوریه و دخالت قدرتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای عملاً باعث شد بحران سوریه به بن بست تبدیل شود که در کوتاه مدت و میان مدت، چشم اندازی برای پایان آن وجود نداشته باشد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

به نظر می‌رسد آمریکا در تلاش است تا با کمک قدرتهای منطقه‌ای به طور موازی از قدرت گرفتن بیش از حد یکی و تضعیف دیگری جلوگیری، و از این طریق اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را در این منطقه دنبال کند. در این رهگذر، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران قدرتمند منطقه‌ای بیشترین نقش را در ایجاد نظم منطقه‌ای و شکل‌دهی به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب آسیا دارد؛ یعنی می‌تواند بیشتر از قدرت ملی و جغرافیایی خود نقش ایفا کند. این نقش نه به صورت چریکی بلکه به صورت دولت و مسئولانه خواهد بود که در روابط، سیاست و نظم منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود و نقش ایفا خواهد کرد. اگر این نقش به عینیت و سرانجام برسد، عامل مهمی برای ساماندهی گرایش سیاست خارجی ایران در سالهای آینده خواهد بود (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

علاو بر این ایران قادر به ایجاد پیوندهای اقتصادی - سیاسی و حفظ و تقویت آنها در این عرصه است. هم‌چنین انتقال دهنده و آسان‌کننده در عرصه پوشش‌های انرژی امتیاز بزرگ دیگری نیز دارد و آن تسلط بر تکیه گاه قلمرو ژئواکونومی غرب آسیا است به صورتی که با اتصال



حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف، میدان عملیاتی دفاع از منافع دیگر بازیگران را هم در اختیار دارد؛ به عبارت دیگر در نقشه‌های ژئواستراتژیکی قدرتهای بزرگ هم به عنوان بازیگر اول منطقه‌ای لحاظ می‌شود (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۳۱ و ۱۳۰). بنابراین کشورهای رقیب ایران (ترکیه، عربستان و قطر) به رهبری امریکا، که نظم مورد نظر ایران را رقیب اصلی خود می‌دیدند با خلق چندین بحران (سوریه، عراق، لیبی، سرکوب شیعیان در بحرین و...) سعی کردند تا از پیروزی نظم مبتنی بر نظامهای مردم‌سالار جمهوری اسلامی به وسیله حمایت از شورشیان و تروریست‌ها جلوگیری کنند. این مسئله مزید بر مشکلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حفظ تعادل منطقه و امنیت داخلی خود شد. به همین منظور برای تقویت جایگاه خود به عنوان یکی از قدرتهای تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا به کشورهای همسو با سیاست خارجی خود و هم‌چنین روسیه ائتلافی را تشکیل دادند که بدین وسیله هم از تعادل ژئوپلیتیک منطقه محافظت، و هم از تهدیدهای ناشی از ائتلاف رقیبان خود از جمله عربستان جلوگیری می‌کند.

## مهمترین منافع سیاست خارجی ایران در سوریه

### ۱ - اقتصادی

رابطه اقتصادی بین ایران و سوریه، مفید و دوجانبه بوده است؛ بنابراین دو طرف از این رابطه استفاده بهینه می‌کنند؛ مثلاً دولت سوریه در این ارتباط اقتصادی به خرید نفت با شرایط به صرفه، و سرمایه‌گذاری و درآمدزایی در سوریه به واسطه رفت و آمد توریست‌ها (و زائران) ایرانی درآمد کسب می‌کند و باعث رشد درآمد ملی آن می‌شود. در مقابل در اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰م، سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه افزایش یافته و در سال ۲۰۰۸م به سه میلیارد دلار رسیده بود. ایران در سوریه در تعدادی از طرحهای صنعتی و کشاورزی مشارکت داشته است؛ از جمله احداث کارخانه خودروسازی و سیمان؛ علاوه بر این سوریه سالهاست که از دریافت از ایران بهره‌مند می‌شود (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

قبل از شروع جنگ داخلی در سوریه، جمهوری اسلامی ایران مقدار قابل توجهی از سرمایه و نیروی انسانی خود را به منظور مبادلات تجاری و اقتصادی در دمشق متمرکز کرد. این سرمایه‌گذاریها در بخشهایی مثل حمل‌ونقل و هم‌چنین در بخشهای زیر ساختی این کشور انجام شد. ایران

در بخش انرژی ده میلیارد دلار برای احداث خطوط لوله گاز خود از سوریه و عراق به منظور صادرات به چند کشور غربی اختصاص داده است. این مبادلات تجاری بین طرفین قبل از جنگ به صورت برابر انجام می‌شد؛ اما با شروع بحران میزان فعالیتهای تجاری و اقتصادی ایران در سوریه بیشتر، و باعث وابستگی این کشور شد. به نظر می‌رسد که این مبادلات بین تهران و دمشق پاسخی است در مقابل هزینه‌های زیادی که کشورهای خارجی و متحدان منطقه‌ای آنها با ایجاد ائتلافهای متعدد به منظور براندازی دولت فعلی سوریه انجام داده‌اند. در این مورد علاءالدین بروجردی اظهار کرد " سرمایه‌گذارهای ایران در سوریه و روابط تجاری موجود پاسخی به فعالیتهای مخالفان دولت سوریه است". جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران در سوریه میزان مبادلات اقتصادی و تجاری خود را با این کشور نه تنها کاهش نداد بلکه افزایش داد؛ چرا که بدون این کمکهای اقتصادی (در کنار کمکهای نظامی) دولت سوریه قادر به مقاومت در مقابل تروریست‌های تکفیری و حامیان آنها نبود که با هدف براندازی دولت سوریه و ساقط کردن جبهه مقاومت وارد سوریه شده‌اند. این برنامه‌های ایران در سوریه را می‌توان به طرح مارشال برای بازسازی اروپای غربی و هم‌چنین به طرح خود جمهوری اسلامی ایران بعد از حمله امریکا به عراق تشبیه کرد (Rafizadeh, 2016).

این سرمایه‌گذارهای ایران در سوریه باعث رقابت با رقیبای منطقه‌ای خود نیز شد. ایران قصد ایجاد خط لوله گاز از پارس جنوبی از طریق عراق و سپس حلب سوریه به اروپا را دارد که این اقدام خوشایند رقیبان منطقه‌ای ایران (عربستان و قطر) نیست. بنابراین قطر و عربستان با حمایت امریکا در پی ایجاد خط لوله گاز از طریق سوریه برای انتقال گاز به اتحادیه اروپا به منظور رقابت با ایران هستند که با مخالفت دولت کنونی سوریه روبه‌رو شد. حتی بسیاری از نظریه پردازان، حمایت قطر را از گروه‌های مسلح در سوریه برای ساقط کردن دولت این کشور، نوعی اختلال در ایجاد این خط لوله می‌دانند (Ahmed, 2017). این موضوع باعث به خطر افتادن امنیت سرمایه‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه می‌شود؛ لذا شاید طبیعی به نظر برسد که تهران برای جلوگیری از زیان ناشی از اقدامات تروریستی و حامیان آن وارد عمل شود و همکاریهای خود را با سوریه و ائتلاف ایجاد شده برای جلوگیری از توسعه این مشکل امنیتی بیشتر کند.

ریاض و دوحه نیز برای رقابتهای خود با ایران می‌توانند دلایلی داشته باشند؛ چرا که نگرانی کشورهای شورای همکاری خلیج در مورد ثبات سامانه رفاه و دولتهای خود به طور جدایی ناپذیری به منافع امنیت اقتصادی و مالی مرتبط است؛ لذا در دست گرفتن ترانزیت انتقال انرژی

برای این کشورها و هم‌چنین روابط خوب با سوریه، که نقطه عطفی برای حفظ منافع شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته شده است با وجود ایران و اتحاد بین این دو چنین روابط دوستانه همیشه دست یافتنی نبوده است. در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، قطر کشوری است که بیشترین نیاز را برای انتقال گاز و منابع هیدروکربنی به اتحادیه اروپا برای رسیدن به درآمد دارد (Kandeeel, 2017). اصل حفظ و توسعه ظرفیتهای تولید گاز بویژه در میدانهای مشترک ایران و قطر وجود دارد بخصوص اینکه مشاوران خارجی قطر، که موضوع را از دریچه مسائل سیاسی و تحولات ژئوپلتیک می‌نگریستند از یک سو تصمیم‌گیران دوحه را به برداشت سریعتر از منابع ترغیب می‌کردند و از سوی دیگر تجهیزات و تأمین مالی مراحل تولیدی را تأمین می‌کردند. شرکتهای اروپایی، که فناوری مورد نیاز را برای استخراج کامل گاز از میدان عظیم پارس جنوبی ایران داشتند در اواخر دهه گذشته میلادی، تحت فشار امریکا ایران را ترک کردند تا استخراج نفت قطر از سمت دیگر این میدان گازی عظیم بشدت افزایش یابد.

هم‌چنین با شروع بحران در سوریه، ایران با ایجاد بنگاه‌های خیریه و حمایت و تقویت زیرساختهای بوروکراتیک این کشور و دادن وامهای دولتی، به دنبال تقویت دولت سوریه در مقابل تروریست‌ها و حامیان منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای او می‌باشد (Graham, 2015). فارغ از روابط اقتصادی گذشته ایران و سوریه با گسترش بحران در سوریه، میزان معاملات تجاری و اقتصادی دو کشور بدین شرح است:

جدول ۱. میزان معاملات تجاری و اقتصادی ایران و سوریه (واحد معاملات = میلیون دلار)

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
صادرات	۵۱۵/۸۰۰	۳۶۴/۷۴۷	۱۵۸/۹۰۱	۱۱۴/۹۳۵	۹۹/۹۵۵	۱۴۸/۹۲۵
واردات	۲۹/۴۰۰	۲۶/۲۲۵	۲۴/۰۷۱	۱۰/۳۴۷	۹/۱۶۶	۷/۸۶۵
حجم مبادلات	۵۴۵/۲۰۰	۳۹۰/۹۷۳	۱۸۲/۹۷۲	۱۲۵/۲۸۲	۱۰۹/۱۲۱	۱۵۶/۷۹۰
تراز تجاری	+۴۸۶/۴۰۰	+۳۳۸/۵۲۳	+۱۳۴/۸۳۱	+۱۰۴/۵۸۸	+۹۰/۷۸۹	+۱۴۱/۰۶۰

منبع: (<http://www.tejaratefarda.com>)

همان گونه که در جدول مشخص است، هر چه از بحران در این کشور می‌گذرد، میزان روابط تجاری و اقتصادی طرفین نیز کاهش یافته است. هم‌چنین سرمایه‌گذارهای ویژه‌ای در سوریه برای

حفظ منافع خود و حمایت از دولت سوریه انجام داده و با دادن وامهای کلان و در اختیار گذاشتن اعتبارهای ویژه در صدد دستیابی به اهداف یاد شده بوده است. بنابراین با اوجگیری بحران، جمهوری اسلامی ایران، که انتظار باز پس‌گیری آنها را نیز دارد، ممکن است با مشکل جدی روبه‌رو شود (Abboud, 2015)؛ چون عربستان و متحدانش در چند سال اخیر با هدف تحت فشار قرار دادن روسیه و ایران و اثرگذار شدن تحریمهای بین‌المللی و کاستن از منابع درآمدی این کشورها اقدام به ارائه بی‌رویه انرژی به بازارهای بین‌المللی کردند که نتیجه آن کاهش فوق‌العاده درآمدهای ارزی روسیه و ایران و هم‌چنین متضرر شدن دیگر صادرکنندگان بزرگ انرژی در دنیا بود؛ لذا با سقوط دولت سوریه و روی کار آمدن نظامی همخوان با عربستان و غرب به رهبری امریکا منافع اقتصادی ایران و روسیه در این کشور را با خطری جدی روبه‌رو کرده است که به عبارتی از بین می‌رود. به نظر می‌رسد که مسکو و تهران برای جلوگیری از زیان ناشی از اقدامات دولت عربستان و امریکا راهبرد لازم را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دادند؛ لذا ایجاد ائتلاف سوریه - ایران - عراق - روسیه - حزب‌الله لبنان در صدد جلوگیری و ساقط کردن هرگونه تهدید در منطقه هستند.

## ۲ - ایران و تهدید عربستان

همان‌گونه که بیان شد با شروع بحران سوریه، دولت عربستان و متحدان خود در صدد ساقط کردن دولت سوریه برآمدند و بارها نیز تأکید کردند که نیروهای نظامی این کشور می‌خواهد وارد سوریه برای رسیدن به اهداف خود شود. در مقابل نیروهای نظامی ایران و لبنان در حال درگیری با مخالفان رژیم هستند که از سوی دولت آل سعود حمایت می‌شود (Bilal y. Saab, 2016). امروزه مجموعه این مسائل بین ایران و عربستان، تمام غرب آسیا را در بر گرفته تا جایی که تنش بین طرفین گسترش یافته است که در غرب آسیا دو کشور یکدیگر را دشمن تلقی می‌کنند. تحرکات دو کشور از حد کلمه رقابت خارج شده و وارد مرحله نظامی و ایجاد ائتلاف در برابر همدیگر شده است که ریاض با حمایت از شورشیان و ایران با حمایت از جبهه‌های مقاومت مردمی در صدد رسیدن به اهداف خود هستند که در سوریه نمونه آن قابل مشاهده است (Max Fisher, 2016).

در چارچوب این رقابت و با روی کار آمدن دولت ترامپ و فکر تشکیل ائتلاف با کشورهای عربی در منطقه بویژه عربستان، راهبردی است که امریکا برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران تدبیر

کرده است و شاید نشست ریاض نقطه آغاز این ائتلاف باشد. ترامپ در سفر خود به عربستان و رژیم اشغالگر قدس اظهار کرد "وظیفه ما این نیست که بگوییم مردم چگونه زندگی کنند؛ بلکه هدف ما ایجاد ائتلاف و اتحاد با دوستان و همکاران خودمان در منطقه برای مبارزه با تروریسم است". هدف از تشکیل این ائتلاف نیز تقویت عادی سازی روابط میان کشورهای عربی با رژیم اشغالگر قدس و ادغام کشورهای عربی با این رژیم است. هم‌چنین با توجه به اینکه رژیم آل سعود به صورت مستقل، خود توانایی بازگشت ثبات به منطقه را ندارد، واشنگتن برای رسیدن به ثبات با این کشور ائتلاف و اتحادی را تشکیل داده است که دو کشور هدف این اتحاد را محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و ساقط کردن داعش اعلام کردند (Rafferty, 2017).

مقامات ارشد کاخ سفید درباره این اتحاد و ائتلاف با عربستان اظهار کردند که عربستان کشوری است که برای اتحاد با آمریکا در جهت رسیدن به اهداف منطقه‌ای آن (منزوی کردن ایران و مبارزه با داعش) اعلام آمادگی کرده است. در این بین با سفر آقای ترامپ به تلاویو<sup>۱</sup>، بنیامین نتانیاها<sup>۲</sup> ضمن تمجید از حمله هوایی به سوریه و انتقاد از دولت باراک اوباما<sup>۳</sup> این اقدام را "تغییری بزرگ در سیاست خارجی آمریکا خواند". رئیس‌جمهور ترامپ<sup>۴</sup> در این سفر به دنبال حل تنش بین رژیم اشغالگر قدس و فلسطین نیز بود که با دیدار با محمود عباس رئیس‌تشیلات خودگردان فلسطین، خود را به عنوان "میانجی" یا "داور" بین رژیم صهیونیستی و فلسطین خواند که در صدد حل این مشکل است (Shugerman, 2017). در مقابل این مسائل، ایران برای تثبیت راهبرد ضد سلطه خود و حل مشکل امنیتی، که به وسیله آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در منطقه ایجاد شده به دنبال همکاری صلح‌آمیز و ائتلاف با نیروهای ضد هژمون چه در سطوح دولتی و چه در سطوح غیر دولتی است. در این راستا ایران تلاش‌هایش را برای ایجاد ائتلاف ضد امپریالیستی در جهان سوم و دنیای اسلام افزایش داده و به این منظور و در راستای گفتمان ضد هژمونیک و مقاومت خود دو راهبرد عمده «سیاست نگاه به شرق» و «ائتلاف جنوب» را دنبال کرده است (دارابی، ۱۳۹۴: ۴۸). هم‌چنین اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران در چارچوب این راهبردها بیشتر تدافعی و عملگرایانه است و قبل از هر چیزی سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید

1 - Tel Aviv

2 - Benjamin Netanyahu

3 - Barack Obama

4 - Trump

سیاسی و امنیتی از طریق ائتلاف ضد نیروی برهم زننده امنیت در منطقه را از بین ببرد. با توجه به این روش، بهره‌گیری از سیاست ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی ایران در منطقه واکنشی تدافعی برای رفع تهدیدات امنیتی ناشی از گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق است که از سوی عربستان و حامیان غربی حمایت می‌شود. این سیاست دو جنبه دارد: نخست ایجاد اتحاد و ائتلاف با دولتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل روسیه یا گروه‌های سیاسی برای تضعیف منافع مشترک تهدیدهای امنیتی و دوم رفع این تهدیدات از راه حضور مؤثر و فعال در مسائل سیاسی امنیتی منطقه (نظامی پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳ و ۲).

### ۳- حل مسالمت‌آمیز بحران

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای در این بازی حاصل جمع صفر نگران است که با تغییر دولت فعلی سوریه حکومت جایگزین، محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد؛ به همین دلیل از زمانی که جنگ داخلی در سوریه آغاز شد به‌طور فزاینده‌ای تلاش می‌کند تا اقدامات و پیشگیری‌های لازم را نسبت به جلوگیری از تشدید این بحران و حل و فصل مسالمت‌آمیز آن انجام دهد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۴۴ - ۱۲۳). فعال کردن روند سیاسی در تحولات سوریه با مشارکت همه طرفها راه حلی است که از ابتدا ایران بدان اعتقاد داشت. داعش و جبهه‌النصره عموماً خارج از این معادله هستند؛ اما به هرحال برای اینکه افقی در راستای به نتیجه رسیدن تحولات به نفع مردم و دولت سوریه و همه طرفها بخواهد پیش‌بینی شود، طبق سیاست خارجی ایران پیگیری روند سیاسی است که البته بخشی از آن جلو رفته اما همچنان با موانع زیادی روبه‌روست. یکی از این موانع اصرار برخی از دولتهایی است که در سوریه مداخله می‌کنند و حاضر نیستند این وضع، به حالت عادی خود برگردد.

از سوی دیگر در منطق عملیاتی و سطح عملیاتی هم قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای و دیگر بازیگران قدرتمند منطقه دریافته‌اند که بدون تحرک معنادار سیاسی، آن‌هم در چارچوب پذیرش نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه نمی‌توان به تفاهم سیاسی و راه حل منطقی برای حل و فصل بحران سوریه دست یافت. بر این اساس قدرت ایران و نیاز به ایران در جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه عامل دیگری بود که در سطح عملیاتی خود را نشان داد. تحرک سیاسی ایران از سال ۲۰۱۴ به بعد در کنار کنش عملیاتی موفق آن در عرصه نظامی، این زمینه را ایجاد کرد.

نشست آستانه و همکاری و ائتلاف ایران با روسیه و ترکیه نیز از جمله تلاشهایی بود که جمهوری اسلامی ایران به منظور حل بحران فعلی سوریه و جلوگیری از راهبرد عربستان انجام داد که با حمایت‌های امریکا در منطقه به طور مداوم امنیت منطقه را با مشکل روبه‌رو کرده است. در این نشست سه کشور توافق کردند که منطقه امن در جهت کاستن از تنش‌های موجود در سوریه را ایجاد کرده است و نیروهای روسیه به عنوان حافظ صلح در این منطقه باشند. الکساندر لاورنتیف<sup>۱</sup> نماینده رئیس‌جمهور پوتین در این نشست، که با حضور نماینده مخالفان سوریه برگزار شد، اظهار کرد که "ما اعتقاد داریم که بحران سوریه تنها از طریق روش سیاسی قابل حل است". در این باره نیز نماینده سازمان ملل در بحران سوریه، استفان دی میستورا<sup>۲</sup> بیان کرد که "نشست آستانه گامی در جهت بهتر کردن اوضاع سوریه است". مخالفان سوریه نیز به دلیل عدم اطمینان از جمهوری اسلامی ایران، که مهمترین حامی دولت فعلی سوریه است، خواستار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سوریه شدند (Gizitdinov & meyer, 2017). در نشست آستانه، که در ۹۵/۱۱/۱۸ برگزار شد، وزیر امور خارجه ایران آقای ظریف نیز بر راه‌حل سیاسی برای حل این بحران تأکید کرد. بنابراین در مذاکرات آستانه، ایران و روسیه به همراه ترکیه در موضوعات مهمی به توافق رسیدند که مهمترین آنها عبارت است از:

الف) احترام سه کشور به تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال سوریه

ب) سه کشور متقاعد شدند که برای حل این بحران راه‌حل نظامی وجود ندارد.

پ) ضمن تأکید دوباره بر راه‌حل سیاسی برای حل این مسئله به نقش سازمان ملل و شورای امنیت برای حل این مشکل طبق قطعنامه ۲۲۵۴<sup>۳</sup> تأکید کردند.

ت) وزیران سه کشور بر اهمیت آتش بس و کمک‌های بشر دوستانه بدون مانع و بدون حضور نظامیان به توافق رسیدند.

ث) توافق برای مبارزه با داعش و النصره بین سه کشور

آقای ظریف در ادامه این گفتگوها بیان کرد که دولت و ملت ایران در کنار روسیه برای مبارزه با داعش قرار دارند. آقای ظریف بر این موضوع نیز تأکید کرد که اقدامات تروریستی هیچ‌گونه

1 - Alexander Lavrntyf

2 - Staffan de Mistura

۳ - قطعنامه‌ای است که شورای امنیت بر برقراری آتش بس در سوریه، انتخابات ظرف ۱۸ ماه و تشکیل دولت ملی ظرف شش ماه تأکید کرد.

توجیهی ندارد و کشورهای حامی این گروه‌ها باید از پیامد فاجعه‌بار این حمایتها آگاهی داشته باشند (Jim W. Dean, 2016). همان‌گونه که توضیح داده شد ایران و روسیه همزمان با درگیری نظامی با تروریست‌های تکفیری به فکر حل کردن این بحران به صورت سیاسی هستند. این نکته را باید مورد توجه قرار داد که علاوه بر نشست آستانه ایران در نشست وین بر راه‌حل سیاسی در جهت حل بحران به همراه روسیه تأکید کرد. به نظر می‌رسد که اعلام نیاز به ایران و دعوت از این کشور برای شرکت در نشست وین و آستانه می‌تواند باب تازه‌ای در بحران سوریه بگشاید و به عقب راندن دیدگاه‌های افراطی کشورهایمانند عربستان منجر شود که با سیاستهای افراط‌گرایانه و بی‌ثبات‌ساز خود نه تنها سوریه را به ورطه نابودی کشانده‌اند، بلکه جهان را با تهدید رو به گسترش گروه‌های تروریستی روبه‌رو کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ضمن تأیید فرضیه‌ای مبتنی بر ایجاد موازنه و ائتلاف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابل عوامل تهدیدزا در بحران سوریه، که تروریست‌های این بحران و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حامی این گروه‌ها هستند این نتیجه به دست آمد که جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با کشور سوریه با توجه به اشتراکاتی که در زمینه شناخت تهدید مشترک از ناحیه رژیم اشغالگر قدس داشتند، ساختاری امنیتی ایجاد کردند که هرگونه بحران در کشور ایران و سوریه جبهه مقاومت را به شکل جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا با شروع بحران سوریه کشورهای منطقه‌ای رقیب ایران در صدد برآمدند تا با ایجاد ائتلافی که در رأس آنها امریکا قرار دارد از تروریست‌های سوریه حمایت کنند و دولت این کشور را ساقط کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل این اقدام رقیب و تروریست‌ها بنابر رسالت خود یعنی حمایت از ملت‌های مسلمان و مظلوم در مقابل هرگونه تعرض خارجی و هم‌چنین دفاع از جبهه مقاومت اسلامی با هدف حفظ خط ارتباط با حزب الله لبنان، ائتلافی را با روسیه و عراق و هم‌چنین سوریه و لبنان در جهت ایجاد موازنه در مقابل تهدید یاد شده اقدام کرد و در چارچوب این ائتلاف در صدد حفظ منافع ملی خود و هم‌چنین جلوگیری از به خطر افتادن امنیت منطقه و امنیت داخل خود برآمد؛ چرا که با گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه به صورت دومینووار تمام



کشورهای اسلامی بویژه ایران با این مشکل امنیتی روبه‌رو خواهند شد. رقیبان ایران و در رأس آن عربستان و رژیم اشغالگر قدس نیز از گروه‌های یاد شده به منظور ایجاد موازنه در مقابل قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند و همواره در صدد هستند که با تقویت این گروه‌ها از نفوذ هرچه بیشتر تهران در منطقه بکاهند. با این اقدام توسط عربستان و رژیم اشغالگر قدس یعنی محدودیت در نفوذ ایران در منطقه باعث می‌شود که ایران در انزوای کامل قرار گیرد و از آنجا که تهران در سوریه چه قبل از بحران و چه بعد از بحران سرمایه‌گذاریهایی زیادی برای رسیدن به منافع ملی خود انجام داده است با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد.

در ادامه یافته‌های پژوهش، این نکته نیز مشخص شد که اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه بویژه در بحران سوریه برای جلوگیری و موازنه‌سازی در برابر قدرت‌گیری تروریست‌های داعش و القاعده در منطقه است که امنیت منطقه غرب آسیا و بویژه کشورهای اسلامی را با خطر جدی روبه‌رو کرده؛ اما ذکر این نکته لازم است که عربستان سعودی که یکی از حامیان این گروه‌ها از جمله کشورهای مد نظر ایران است که در صدد مدیریت اقدامات آن است؛ چرا که این کشور برای رسیدن به قدرت برتر منطقه و رهبری مسلمانان از هر اقدامی در این جهت دریغ نمی‌کند و همواره در تلاش برای رسیدن به این هدف با هر سیاستی است. یکی از سیاستهای عربستان سعودی برای رسیدن به این هدف ایجاد ائتلاف با کشورهایی است که با اساس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در تعارض هستند که مهمترین آنها آمریکا و رژیم اشغالگر قدس هستند. با اقداماتی که جبهه مخالف ایران در منطقه انجام می‌دهند، هدف نهایی به خطر انداختن امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان آن در منطقه است و لذا طبق نظریه موازنه تهدید استفان والت، که از آن به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شد، ایجاد موازنه در مقابل این‌گونه تهدیدها و ائتلاف در برابر آنها از جمله اقداماتی است که کشورها به صورت طبیعی به سمت آن سوق پیدا می‌کنند.

**منابع**

- ترابی، قاسم؛ محمدیان، علی (۱۳۹۴). تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی. *فصلنامه سیاست پژوهی*. دوره ۲. ش ۳: ۹۰ - ۶۱.
- جانسیز، احمد؛ همکاران (۱۳۹۳). رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. س ۳. ش ۱۲: ۹۷ - ۶۷.
- دهشیری، محمدرضا؛ رضائی جعفری، محسن (۱۳۹۳). نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران. *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره ۳. ش ۲: ۲۲۵ - ۱۹۱.
- دارابی، علی (۱۳۹۴). سازه‌انگاری، چارچوبی نظری برای تبیین منازعه ایران و آمریکا. *فصلنامه سیاست خارجی*. س ۲۹. ش ۲: ۵۲ - ۳۳.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱). نواقح‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه سیاست خارجی*. س ۲۳. ش ۱: ۷۱ - ۸۸.
- ریبیعی و همکاران (۱۳۹۵). بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. ش ۳۱: ۸۸ - ۶۱.
- سنایی، اردشیر؛ کاویانپور، مونا (۱۳۹۵). ظهور داعش و تأثیر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*. س ۹. ش ۳۴: ۱۴۵ - ۱۶۸.
- سیمبر، رضا؛ قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳). مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران - سوریه. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. س ۳. ش ۹: ۱۷۸ - ۱۴۳.
- شهریاری، محمدعلی؛ همکاران (۱۳۹۵). بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه در چارچوب نظریه بازی‌ها. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. ش ۲۷: ۱۴۴ - ۱۱۹.
- صادقی، سیدشمس‌الدین؛ همکاران (۱۳۹۴). بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. س ۴. ش ۱۶: ۱۲۸ - ۱۰۷.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۴). تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه. *جستارهای سیاسی معاصر*. س ۶. ش ۱: ۱۴۴ - ۱۲۳.
- عبدی، عطاءالله؛ همکاران (۱۳۹۴). بازسازی تحولات جنوب غرب آسیا بر بنیاد رقابت ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه. *فصلنامه سیاست خارجی*. س ۲۹. ش ۲: ۱۳۹ - ۱۱۷.
- مایلافشار، فرحناز (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران. *فصلنامه رهنامه سیاستگذاری*. س ۳. ش ۱: ۱۴۰ - ۱۰۹.
- متقی، ابراهیم؛ همکاران (۱۳۹۳). نقش بازیگران منطقه‌ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه. *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره ۳. ش ۲: ۶۷ - ۳۵.

- مرادی، اسداله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۹۴). بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش راهبردی سیاست. س ۴. ش ۱۵: ۱۵۱ - ۱۲۵.
- میرزاده‌کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریو و پیامدها. پژوهشنامه دفاع مقدس. س ۳. ش ۱۱: ۱۸۸ - ۱۷۱.
- نجات، سیدعلی؛ همکاران (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. س ۹. ش ۳۳: ۱۳۷ - ۱۷۹.
- نجات، سیدعلی؛ جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۹۲). بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه. پژوهش‌های سیاسی. س ۳. ش ۸: ۲۹ - ۴۹.
- نیاکوئی، سید امیر؛ همکاران (۱۳۹۲). تبیین راهبردی امنیتی ایران در قبال بحران سوریه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. س ۳. ش ۱: ۱۳۹ - ۱۱۹.
- نیاکوئی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۳). راهبرد ایران در مقابل تحرکات ژئوپلیتیکی امریکا در خاورمیانه. فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۳. ش ۴: ۸۹ - ۵۷.
- نیاکوئی، سید امیر؛ ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۴). تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. س ۴. ش ۱۵: ۱۷۷ - ۱۵۳.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۴). بررسی عوامل گسترش جریان‌های تکفیری در خاورمیانه ۲۰۱۵ - ۲۰۱۱. فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۴. ش ۴: ۱۱۸ - ۹۵.
- نظامی‌پور؛ همکاران (۱۳۹۵). ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی. س ۵. ش ۱۸: ۲۲ - ۱.
- نجات، سید علی (۱۳۹۳). راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه. فصلنامه سیاست خارجی. س ۲۸. ش ۴: ۶۵۵ - ۶۳۱.
- وثوقی، سعید؛ صفری، عسگر (۱۳۹۵). نقش ایالات متحده امریکا در افراط‌گری‌های منطقه خاورمیانه با تأکید بر عراق و سوریه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. س ۵. ش ۱۷: ۱۲۰ - ۱۰۱.
- همیانی، مسعود (۱۳۹۴). تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی، از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف. فصلنامه سیاست خارجی. س ۲۹. ش ۱: ۷۴ - ۵۳.
- هدایتی‌شهیدانی، مهدی؛ کلاردمرادی، سجاد (۱۳۹۵). تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. ش ۳۱: ۱۱۴ - ۸۹.
- Abboud Samer (2015), «Analysis: Is Iran really pulling out of Syria?», Available in the: <http://www.aljazeera.com/news/2015/12/analysis-iranpullingsyria-151214055704354.html>.
- Ahmed mahdi(2017),” Energy competition in the Middle East”, Available in the: <http://weekly.ahram.org.eg/News/19227.aspx>.
- Amal A. Kandeel(2017),” Regional Upheaval: The Stakes for the GCC”, Available in the: <http://www.mepc.org/regional-upheaval-stakes-gcc>.

- Barfi Barak (2016), «The Real Reason Why Iran Backs Syria», Available in the: <http://nationalinterest.org/feature/the-real-reason-why-iran-backs-syria-14999>.
- Bilal y. Saab(2016),« WHY AN IRAN-SAUDI ARABIA CONFLICT IS MORE LIKELY TODAY THAN EVER BEFORE», Available in the: <http://www.newsweek.com/why-iransaudi-arabia-conflict-more-likely-today-ever-511317>.
- Fulton , Will and Joseph Halliday, winter(2013), “Iranian strategy in Syria”, Institute for the study of war.
- Graham Kevin(2015), «Iran’s military and economic investment in Syria», Available in the: <http://globalriskinsights.com/2015/11/irans-military-and-economic-investment-in-syria>.
- Giztidinov nariman& meyer Henry(2017),«Russia Set to Police Syria Safe Zones Backed by Iran, Turkey», Available in the: <https://www.bloomberg.com/politics/articles/2017-05-04/russia-turkey-iran-sign-agreement-on-syria-safe-zone-plan>.
- Geranmayeh Ellie&Kadri Liik(2016).«The new power couple: Russia and Iran in the Middle East», Available in the: [http://www.ecfr.eu/publications/summary/iran\\_and\\_russiamiddleeastpowercouple7113](http://www.ecfr.eu/publications/summary/iran_and_russiamiddleeastpowercouple7113).
- Jim W. Dean(2017),«Iran, Russia, Turkey start bids to solve Syria crisis diplomatically: Zarif», Available in the: <http://www.veteranstoday.com/2016/12/20/iran-russia-turkey-start-bids-to-solve-syria-crisis-diplomatically-zarif>.
- Kouzegar Kaleji Vali(2012), «Common Goals and Interests of Iran and Russia in Syria», Available in the: <http://www.iranreview.org/content/Documents/CommonGoalsandInterestsOfIranandRussiaInSyria.htm>.
- LiangxiangJin(2016),«The U.S. Can Do More to Solve Syrian Crisis», Available in: <http://www.chinausfocus.com/peace-security/the-u-s-can-do-more-to-solve-syrian-crisis>.
- Kaufman, Stuart J, Richard little and William C. Wohlforth(2007) “The balance of Power in World History”, Palgrave macmillan.
- Lynch Paul(2016),« The Shrinking Map of American Interests in the Middle East», Available in: <http://watchingamerica.com/WA/2016/04/22/the-shrinking-map-of-american-interests-in-the-middle-east>.
- Maxfisher(2016),« Straightforward Answers to Basic Questions About Syria’s War», Available in: [https://www.nytimes.com/2016/09/19/world/middleeast/syriacivil-war-bashar-al-assad-refugees-islamic-state.html?\\_r=0](https://www.nytimes.com/2016/09/19/world/middleeast/syriacivil-war-bashar-al-assad-refugees-islamic-state.html?_r=0).
- Max Fisher(2016),« The cold war between Saudi Arabia and Iran that’s tearing apart the Middle East, explained», Available in: <https://www.vox.com/2016/1/4/10708682/sunni-shia-iran-saudi-arabia-war>.
- Manfreda Primoz(2017),«Why Iran Supports the Syrian Regime», Available in: <https://www.thoughtco.com/why-iran-supports-the-syrian-regime-2353082>.
- Rafizadeh Majid(2016),«Implications of the growing Iran-Syria economic relations», Available in: <http://english.alarabiya.net/en/views/news/middleeast/2016/09/30/How-Iran-is-gradually-owning-Syria-economically.html>.
- Shahidsaless Shahir(2016),« Iran is on track to achieve its objectives in Syria», Available in: <http://www.middleeasteye.net/columns/iran-track-achieve-its-objectives-syria-674162107>.
- Shugerman Emily(2017),«Donald Trump will visit Israel, the Vatican and Saudi Arabia in first foreign trip as US president», Available in the: <http://www.independent.co.uk/news/world/americas/uspolitics/donaldtrumpisrael-vatican-rome-saudi-arabia-first-foreign-trip-us-president-7-summit-sicily-italy-a7718031.html>.
- Walt M. Stephan(1986) “Alliance: Balancing and Bandwagoning”, in Stephan M. Walt,(Eds). The Origins of Alliances, Cornell University Press.
- [http://www.tejaratefarda.com\(1395/11/9\)](http://www.tejaratefarda.com(1395/11/9)), کد خبر ۱۱۵۶.

